

تبیین و تحلیل حکمت الهی در مهندسی تنزیلی توصیف قرآن در قرآن*

زینب بهجت پور (نویسنده مسؤول)^۱
سید حمید جزایری^۲

چکیده:

نزول هر بخش از قرآن، با توجه به وضعیت، نیاز و مواضع مثبت و منفی مخاطبان معاصر نزول در مکه و مدینه صورت می‌گرفت. اسماء و صفاتی که قرآن به خود نسبت می‌دهد، بسته به عوامل مختلف، مانند نوع و سطح مخاطبان اول و اینکه آنان در چه مرحله‌ای از سیر تحول و هدایت هستند، متنوع است. این مقاله در پی کشف و تحلیل حکمت الهی در کاربست عناوین قرآنی در چهار نقطه عطف، در تاریخ تحول مخاطبان اولیه کلام‌الله است. چنان‌که قرآن در آغاز نزول، در مواجهه با شبهه‌افکنی مشرکان برای ایجاد تردید درباره حقایق کلام‌الله از جایگاه آسمانی‌اش و نزول آن به اراده خدا و به واسطه جبرئیل، با توصیفات متناسب دفاع می‌نماید، در ادامه مسیر نیز با اوصافی که حاکی از تناسب و توافق این کلام با فطرت و دریافتهای درونی افراد است و عناوین متناسب با هر مرحله از تحول، با ایشان سخن گفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

عناوین قرآن / ترتیب نزول / توصیف قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۱۴.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.49940.1874

z.bahjatpoor@whc.ir

quran.olum@chmail.ir

۱- طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی

۲- استادیار جامعه المصطفی العالمیه



طرح مسأله

دانشمندان عناوین قرآن را از جهت بررسی تعداد اسماء و صفات مطالعه کرده و به طور غالب در اسم یا صفت بودن برخی نام‌ها، یا اصالت و فرعی بودن بعضی صفات گفت‌وگو کرده‌اند. از جمله نکاتی که اخیراً مورد توجه پژوهشگران واقع شده، بررسی این کتاب عظیم به سبکی است که محتوا و ساختار قرآن را به ترتیبی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد، بررسی می‌نماید. اسماء و صفاتی که قرآن به خود نسبت می‌دهد، بسته به عوامل مختلف، مانند نوع و سطح مخاطبان متنوع است. این عناوین از ابعاد گوناگونی قابل پردازش است. اما برای دستیابی بهتر به فرآیند سیر اسماء و صفات قرآن، می‌توان آنها را به همان ترتیب نازل شده در سوره‌های مکی و مدنی، با دقت نظر به نقاط عطف سیر تحول بررسی نمود. این مقاله در پی یافت این مطلب است که بر اساس حکمت الهی، هر یک از لایه‌های محتوایی قرآن در چه مرحله‌ای از رشد یا انحراف مخاطبان از صراط مستقیم مورد توجه بوده است.

واژه‌شناسی

۱. حکمت

حکمت یکی از اوصاف ثبوتیه الهی است. حکیم کسی است که کارها را استوار و محکم به سامان برساند. این واژه در مجموع ۹۷ بار در قرآن کریم به کار رفته که فقط در پنج مورد صفت قرآن و در یک مورد صفت امر آمده، بقیه هم درباره حکیم بودن خداوند سبحان است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۱۶۴).

برای حکیمانگی قرآن جلوه‌های متعددی ذکر شده است. راغب مراد از حکمت الهی را علم او به اشیاء و ایجاد آنها بر نهایت احکام و استواری دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۶). استواری در دانش مصادیقی دارد. به عنوان مثال علوم و محتوای قرآن شاهد و مؤید یکدیگر بوده و تعارضی با هم ندارند (نساء: ۸۲). جلوه دیگر حکمت الهی در سبک بیان است. آیه اول سوره مبارکه هود این معنا را می‌رساند. علامه طباطبایی و برخی دیگر از مفسران از این آیه استفاده

کرده‌اند که قرآن کتابی محکم و در عین حال آیه آیه است، منتهی آن فصول به یک ریشه واحد برمی‌گردد که در تمام فصل‌ها وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۹: ص ۱۳۶ و ج ۱۵: ص ۲۱۱؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱: ص ۱۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۹). برخی مفسران احکام و تفصیل آیات را مشعر به چینش آیات در دو مرحله احکامی و تفصیلی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۵: ص ۲۱۴).

جلوه دیگر حکمت الهی در نزول قرآن است، به این معنا که سوره یا آیه‌ای مقدم بر دیگری باشد و اینکه در هر مرحله نزول، چه موضوعی و به چه میزانی فرود آید (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ص ۲۷۹؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ص ۱۷۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ج ۸: ص ۴۵۸). برخی از آیات، نزول قرآن را به خداوند با وصف حکمت نسبت داده‌اند: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر: ۱، فصلت: ۴۲، احقاف: ۲). نزول آیات قرآن و القا و تلقی قرآن نیز حکیمانه و مبتنی بر نهایت احکام و درستکاری است. ریشه این احکام در علم خدا به امور و مصالح، اهداف و اغراض حکیمانه‌ای است که در نزول قرآن وجود دارد (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۵: ص ۲۶۲۸).

چینش و ترتیب نزول آیات و سوره‌ها و همچنین گزینش عناوین قرآنی که از روی نهایت محکم‌کاری بوده، واجد پیام‌هایی ارزشمند است که از طریق تفسیر تنزیلی به دست خواهند آمد.

۲. تنزیل

در معنای «نزل» هبوط از بالا و فرود آمدن به صورت اجماعی دیده می‌شود؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۶۵۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ص ۳۶۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ص ۴۱۷)؛ مادی باشد یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ص ۸۷). در اینکه میان معنای باب‌های «افعال» و «تفعیل» این ماده تفاوتی هست یا خیر، میان مفسران و اهل لغت اختلاف است. ابن‌منظور در *لسان‌العرب* آنها را به یک معنا دانسته (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱: ص ۶۵۶)، اما غالب اهل لغت میان دو واژه «انزال» و «تنزیل» فرقی‌هایی گفته‌اند. با تحلیل نظرات می‌توان گفت نظرات لغویان



در این زمینه بسیار به هم نزدیک است و اساس و مبنای همه آنها تفاوتی است که میان باب افعال و تفعیل وجود دارد (زبیدی، حنفی، ۱۹۹۴، ج ۸: ص ۱۳۳؛ جزائری، ۱۴۱۵ق، ص ۵۷؛ طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲: ص ۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۶۵۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۴۱۷). قرآن کریم از گزارش یک موضوع گاه با واژه انزال سخن گفته (انعام: ۳۷) و گاه با واژه تنزیل (یونس: ۲۰).

مصطفوی در *التحقیق فی کلمات القرآن* می‌گوید در استعمالات قرآنی این واژه به جهت نزول توجه شده است، و به آیات هفت آل عمران و اول فرقان استشهاد می‌جوید. نظرگاه دیگری بر آن است که هرگاه این دو کلمه بدون قرینه به کار روند، انزال در امور دفعی و تنزیل در امور تدریجی انصراف دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ص ۷۵).

معنایی که از این واژه در نوشتار پیش رو مورد نظر است، معنای لغوی واژه تنزیل و نزول گاه و بی‌گاه آیات و سوره‌ها بر حضرت محمد ﷺ است.

۳. مهندسی تنزیلی

واژه مهندسی معادل هندسه است که معرب همان اندازه فارسی می‌باشد. مهندس به معنای اندازه‌گیر و محاسب است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ص ۲۵۳). اگر کلمه مهندسی به برقراری ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های یک سیستم با هدف ایجاد رفتار مطلوب تعریف شود، کاربری این واژه همراه با بسیاری از مفاهیم مادی و غیر مادی، از جمله مهندسی تنزیلی قرآنی و جاهت دارد. می‌توان گفت مهندسی تنزیلی قرآن به این معناست که حکمت قرآن اقتضا می‌کند معارف و ارزش‌های بیان‌شده در آیات و سوره‌ها، به‌طور تصادفی کنار هم قرار نگرفته باشند، بلکه میان آنها رابطه‌ای معنادار از نوع تقدم و تأخر اولویت و غیره برقرار باشد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۶۰).

منطق علمی پژوهش

اخبار و مطالعات درون‌قرآنی، نزول تدریجی قرآن را در طول زمان رسالت پیامبر ﷺ امری بدیهی می‌نماید. خدای متعال به تناسب اراده‌اش در تحول مردم

(ابراهیم: ۱)، آیات را به تدریج نازل می نمود و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آنها را بر مردم می خواند (قیامت: ۱۶-۱۹). درنگ خوانی قرآن، همچنان که فوایدی برای مردم داشت، (اسراء: ۱۰۶)، در تثبیت قلب حضرت نیز به عنوان مصلح مردم تأثیر داشت (فرقان: ۳۲). بررسی این وضعیت می تواند در عرصه های مختلف، از جمله روش معرفی و انس دهی جامعه به کلام الله کمک کند (بهجت پور، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

منطق تقسیم بندی سوره ها در این نوشتار برگرفته از آیه ۲۹ سوره فتح است. دقت در این آیه می رساند که قرآن، رشد و شکوفایی جامعه ایمانی پیرو پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فرآیندی چهار مرحله ای دانسته است: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ...؛ مثال آنان در انجیل است، همانند زراعتی است که جوانه اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه های خود راست قرار گیرد.»

مطالعات تنزیلی در مفاد سوره ها روشن می کند که مرحله اول این رشد (رشد دانه ای و زیرزمینی) تا سوره حجر (۵۴ مکی) شکل گرفت. در این مرحله مسلمانان در مکه حضور علنی نداشتند و به طور عمده این پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود که در برابر مشرکان رفتار علنی داشت و با آزارها و چالش های ایشان مواجه می شد. با نزول سوره حجر و بروز مؤمنان به مثابه اقلیتی مؤمن، تا آخرین سوره دوره حضور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه که با نزول سوره مطففین (۸۶ مکی) خاتمه یافت، قد کشیدن و دیده شدن اقلیت مؤمن مشاهده می شود. در این دوره مؤمنان مورد آزار بودند، اما مأمور به مقابله نبودند.

از سوره بقره (۸۷ مدنی) که اولین سوره مدنی است، مؤمنان که با استقبال مردم مدینه به اکثریت جامعه تبدیل شده بودند، به وسیله نزول آیات متضمن بیانات راهبری کننده و اعلام قوانین و هشدارهایی در ضمن آنها قوی شدند. این حرکت تا پیش از سوره مائده ادامه دارد. در سوره مائده (۱۱۳ مدنی) و توبه (۱۱۴ مدنی) که استقلال جامعه پیرو پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشاهده می شود، به طور عمده توصیه ها و هشدارهایی برای دوره قطع وحی و پس از حضرت بیان می شود.



تحلیل سیر تنزیلی اسامی و اوصاف قرآنی

شصت و یک نام و صفت برای قرآن در قرآن آورده شده است. این عناوین به ترتیب اولین استعمال از این قرارند: آیات الهی، حدیث، ذکر، قرآن، قول، تذکره، احدی الکبر، نذیر، وحی، صحف، مرفوعه، مطهره، عذر، حق، حکمت، کتاب، مبارک، ذکری، هدایت و رحمت برای مؤمنان، نور، بصائر، هدی، تنزیل، فرقان، آیات، بینه، عربی، هدایت و بشارت برای مؤمنان، شفاء و رحمت برای مؤمنان، تصدیق، تفصیل، من رب العالمین، موعظه، شفاء، سبعا من المثنائی، مصدق، هدایت و رحمت برای نیکوکاران، متشابه، مثنائی، غیر ذی عوج، صدق، روح، بشیر، هدایت و شفاء برای مؤمنان، علی، حکیم، رحمت، هدایت و رحمت برای مؤمنان، بشارت برای محسنان، قیم، کلمات، خیر، تبیان، بلاغ، حسرت برای کافران، رحمت و ذکری برای مؤمنان، علم، حبل الهی، هدایت و موعظه برای متقیان، حکم عربی، مهیمن.

شایان ذکر است در شمارش تعداد اسامی و صفات، عناوین ترکیبی از دو نام یا صفت تکراری که برای گروه خاصی آورده شده، به صورت مستقل شمرده شده‌اند و عباراتی همچون کتاب عزیز، کتاب مبین، کتاب الله و مانند آن، تحت یک عنوان به شمار آمده‌اند.

برخی عناوین به وضوح بیشترین کاربرد را در کتاب شریف قرآن دارند. عنوان «کتاب» با تکرار ۶۱ مرتبه به صورت تنها و ۱۹ مرتبه همراه با صفت در کتاب مبارک، چهار بار در کتاب الله، هفت بار در کتاب مبین، یک بار در کتاب حکیم، دو بار کتاب مسطور، کتاب مفصل و کتاب عزیز، بیشترین استفاده را دارد. عناوین «قرآن» و «ذکر» نیز رتبه‌های دوم و سوم عناوین پرتکرار قرآنی‌اند.

کیفیت توزیع نام‌ها و صفات قرآن به اعتبار اولین کاربرد، به گونه‌ای است که ۳۹ عنوان در سوره‌های مکی و پنج عنوان در سوره‌های مدنی به کار گرفته شده‌اند. نام‌ها و اوصاف ویژه سوره‌های مکی به ترتیب عبارت‌اند از: حدیث، قول، احدی الکبر، نذیر، وحی، صحف، مرفوعه، مطهره، عذر، مبارک، هدایت و رحمت برای مؤمنان، بصائر، تنزیل، شفاء و رحمت برای مؤمنان، تصدیق، تفصیل، من رب العالمین، موعظه، شفاء، سبعا من المثنائی، هدایت و رحمت برای نیکوکاران، متشابه،

مثانی، غیر ذی عوج، صدق، روح، بشیر، هدایت و شفاء برای مؤمنان، علی، حکیم، رحمت، هدایت و رحمت برای موقنان، بشارت برای محسنان، قیم، خیر، هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان، بلاغ، حسرت برای کافران، رحمت و ذکری برای مؤمنان.

اسماء و صفاتی که فقط در سوره‌های مدنی وجود دارند، از این قرارند: علم، حبل الهی، هدایت و موعظه برای متقیان، حکم عربی، مهیمن. عناوینی که هم در سوره‌های مکی و هم در سوره‌های مدنی یاد شده‌اند، به تعداد ۱۷ عدد، به این ترتیب هستند: ذکر، قرآن، تذکره، حق، حکمت، کتاب، ذکری، نور، هدی، فرقان، آیات، بیّنه، عربی، هدایت و بشارت برای مؤمنان، مصدق، کلمات، تبیان.

سوره یونس با داشتن پنج نام و وصف جدید در رتبه اول، و سوره اعراف با چهار عنوان جدید برای قرآن، بیشترین تعداد ورود عناوین، و سوره‌های نجم، مرسلات، ق، قمر، جن، یس، فرقان، مریم، طه، شعراء، نمل، اسراء، حجر، انعام، لقمان، غافر، دخان، جاثیه، احقاف، ابراهیم، حاقه، عنکبوت، بقره، رعد و مائده با یک نام یا صفت کمترین بسامد را دارند.

سوره‌هایی که در آنها از نام‌ها یا اوصاف قرآن سخنی به میان نیامده است، ۴۳ سوره‌اند که از این قرارند: علق، حمد، مسد، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، توحید، قدر، شمس، تین، قریش، قارعه، قیامت، همزه، بلد، ذاریات، غاشیه، نوح، ملک، معارج، نباء، نازعات، انفطار، مطففین، زلزال، نصر، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، تغابن، فتح.

بیشترین وقفه زمانی در نزول عنوان جدیدی برای قرآن میان سوره‌های تکویر تا بروج صورت گرفته است. به عبارت دیگر میان این دو، هفده سوره قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، در حالی که حامل نامی برای قرآن نبوده است.



۱. بررسی سوره‌های علق تا حجر (آغاز دعوت پیامبر ﷺ تا علنی شدن اقلیت مؤمن مکی)

آیات مربوط به این مرحله از سیر تنزیلی اسماء و صفات قرآن، ۱۲۴ آیه است. در این مرحله به ۵۵ عنوان قرآنی در ضمن ۵۴ سوره اشاره شده است که اولین آنها سوره قلم و آخرین‌شان سوره حجر است. هر سوره نازل شده گاه مشتمل بر یک یا چند اسم و صفت بوده که به تفکیک ارائه می‌شود:

ترتیب نزول	نام سوره	عنوان قرآنی
۲	قلم: ۱۵	آیات الهی
۲	قلم: ۴۴	حدیث
۲	قلم: ۵۱	ذکر
۲	قلم: ۵۲	ذکر برای جهانیان
۳	مزمّل: ۴	قرآن
۳	مزمّل: ۵	قول ثقیل
۳	مزمّل: ۱۹	تذکره
۳	مزمّل: ۲۰	قرآن
۴	مدثر: ۳۱	ذکر
۴	مدثر: ۳۵	احدی‌الکبر
۴	مدثر: ۳۶	نذیر برای انسان‌ها
۴	مدثر: ۴۹	تذکره
۴	مدثر: ۵۴	تذکره
۷	تکویر: ۱۹	قول رسول کریم
۷	تکویر: ۲۷	ذکر برای جهانیان
۲۳	نجم: ۴	وحی
۲۳	نجم: ۲۹	ذکر
۲۳	نجم: ۵۶	نذیر
۲۳	نجم: ۵۹	حدیث
۲۴	عبس: ۱۳	صحف مکرمه
۲۴	عبس: ۱۴	مرفوعه، مطهره
۲۷	بروج: ۲۱	قرآن مجید
۳۳	مرسلات: ۵	ذکر
۳۳	مرسلات: ۶	عذر، نذیر
۳۳	مرسلات: ۵۰	حدیث
۳۴	ق: ۱	قرآن مجید
۳۴	ق: ۵	حق
۳۴	ق: ۴۵	قرآن
۳۶	طارق: ۱۳	قول فصل
۳۷	قمر: ۵	حکمت بالغه
۳۷	قمر: ۱۷	قرآن
۳۷	قمر: ۲۲	قرآن
۳۷	قمر: ۲۵	ذکر
۳۷	قمر: ۳۲	قرآن
۳۷	قمر: ۴۰	قرآن
۳۸	ص: ۱	قرآن ذی ذکر

۴۳	فاطر: ۳۱	کتاب، حق مصدق	۳۸	ص: ۸	ذکر
۴۳	فاطر: ۳۲	کتاب	۳۸	ص: ۲۹	کتاب، مبارک
۴۴	مریم: ۱۶	کتاب	۳۸	ص: ۸۷	ذکر برای جهانیان
۴۴	مریم: ۴۱	کتاب	۳۹	اعراف: ۲	کتاب، ذکر
۴۴	مریم: ۵۱	کتاب	۳۹	اعراف: ۵۲	کتاب، هدی و رحمت برای مؤمنان
۴۴	مریم: ۵۴	کتاب	۳۹	اعراف: ۱۵۷	نور
۴۴	مریم: ۵۶	کتاب	۳۹	اعراف: ۱۷۰	کتاب
۴۴	مریم: ۵۸	آیات رحمان	۳۹	اعراف: ۱۸۵	حدیث
۴۵	طه: ۲	قرآن	۳۹	اعراف: ۱۹۶	کتاب
۴۵	طه: ۳	تذکره	۳۹	اعراف: ۲۰۳	بصائر، هدی و رحمت برای مؤمنان
۴۵	طه: ۴	تنزیل	۳۹	اعراف: ۲۰۴	قرآن
۴۵	طه: ۹۹	ذکر	۴۰	جن: ۱	قرآن شگفت
۴۵	طه: ۱۱۳	قرآن عربی	۴۰	جن: ۱۳	هدی
۴۵	طه: ۱۱۴	قرآن	۴۱	یس: ۲	قرآن حکیم
۴۵	طه: ۱۲۴	ذکر الهی	۴۱	یس: ۵	تنزیل
۴۵	طه: ۱۳۳	بینه	۴۱	یس: ۱۱	ذکر
۴۶	واقعه: ۷۷	قرآن کریم	۴۱	یس: ۶۹	ذکر، قرآن مبین
۴۶	واقعه: ۷۸	در کتابی پوشیده	۴۲	فرقان: ۱	فرقان، نذیر برای جهانیان
۴۶	واقعه: ۸۰	تنزیل	۴۲	فرقان: ۲۹	ذکر
۴۶	واقعه: ۸۱	حدیث	۴۲	فرقان: ۳۰	قرآن
۴۶	واقعه: ۹۵	حق یقین	۴۲	فرقان: ۳۲	قرآن
۴۷	شعراء: ۲	کتاب مبین	۴۳	فاطر: ۲۹	کتاب الله
۴۷	شعراء: ۱۹۲	تنزیل			
۴۷	شعراء: ۱۹۵	به زبان عربی مبین			
۴۸	نمل: ۱	قرآن، کتاب مبین			



آیات روشن	یونس: ۱۵	۵۱	هدایت و بشارت	نمل: ۲	۴۸
قرآن، تصدیق تفصیل	یونس: ۳۷	۵۱	برای مؤمنان	نمل: ۶	۴۸
من رب العالمین، کتاب			قرآن	نمل: ۷۶	۴۸
موعظه، شفاء، هدی و رحمت برای مؤمنان	یونس: ۵۷	۵۱	هدایت و رحمت برای مؤمنان	نمل: ۷۷	۴۸
قرآن	یونس: ۶۱	۵۱	قرآن	نمل: ۹۲	۴۸
حق	یونس: ۹۴	۵۱	کتاب مبین	قصص: ۲	۴۹
آیات الله	یونس: ۹۵	۵۱	حق	قصص: ۴۸	۴۹
حق	یونس: ۱۰۸	۵۱	قول	قصص: ۵۱	۴۹
کتاب	هود: ۱	۵۲	حق	قصص: ۵۳	۴۹
بیئنه، حق	هود: ۱۷	۵۲	قرآن	قصص: ۸۵	۴۹
کتاب مبین	یوسف: ۱	۵۳	کتاب	قصص: ۸۶	۴۹
قرآن عربی	یوسف: ۲	۵۳	آیات الله	قصص: ۸۷	۴۹
قرآن	یوسف: ۳	۵۳	قرآن	اسراء: ۹	۵۰
ذکر برای جهانیان	یوسف: ۱۰۴	۵۳	قرآن	اسراء: ۴۱	۵۰
تصدیق، تفصیل، هدایت و رحمت مؤمنان	یوسف: ۱۱۱	۵۳	قرآن	اسراء: ۴۵	۵۰
کتاب، قرآن مبین	حجر: ۱	۵۴	قرآن	اسراء: ۴۶	۵۰
ذکر	حجر: ۶	۵۴	قرآن	اسراء: ۶۰	۵۰
ذکر	حجر: ۹	۵۴	قرآن، شفاء و رحمت برای مؤمنان	اسراء: ۸۲	۵۰
سبعاً من المثانی، قرآن عظیم	حجر: ۸۷	۵۴	قرآن	اسراء: ۸۸	۵۰
قرآن	حجر: ۹۱	۵۴	قرآن	اسراء: ۸۹	۵۰
			قرآن	اسراء: ۱۰۶	۵۰
			کتاب حکیم	یونس: ۱	۵۱

تحلیل مهندسی عناوین قرآنی مرحله اول

فضای سوره‌های این مرحله دعوت عموم مردم به دین الهی است. اشراف مکی در برابر این فراخوان، تمام سرمایه‌های اجتماعی خود را برای ایجاد تردید درباره حقانیت کلام‌الله به کار گرفتند. خدای متعال با استفاده از نزول تدریجی قرآن، به‌طور هم‌زمان در دو ناحیه اقداماتی انجام داد: در ناحیه اول از جایگاه آسمانی این متن و نزول آن به اراده خدا و به‌واسطه جبرئیل دفاع کرد و به مراتب این نزول توجه داد و نقش پیامبر ﷺ در تولید متن را به حداقل رساند تا جایگاه الهی آن و انتسابش به خداوند تقویت شود. همچنین در ناحیه دوم با توجه به انواع شبهات و مخالفت‌ها، برای زدودن آنها اقدام کرد. خداوند انگیزه مخالفت‌های این گروه را برملا کرد و برای گذردادن جامعه مؤمنان از این چالش، اقدامات لازم را به عمل آورد. در این مسیر بر اوصافی که از تناسب و توافق این کلام با فطرت و دریافت‌های درونی افراد است، سخن گفته می‌شود. انواع تأثیرات قرآن بر عواطف و احساسات از جنبه هشدار که به‌طور طبیعی برای نمایان ساختن وضعیت نامطلوب و شرایط فعلی بود، استفاده شد. سپس به جنبه‌های هدایت و رحمت برای گروهی که پیام این کلام را دریافت کرده و به آن ایمان آورده بودند، توجه داده می‌شود و از تأثیرات علمی و آگاهی‌بخش آن در عباراتی مثل بصائر، نور، بینة و حکمت برای توجه دادن به تأثیرات علمی قرآن یاد می‌گردد. عناوینی مانند قول فصل، فرقان و کتاب بودن قرآن برای مؤمنان در این دوره، بر مراحل رشد آگاهی و تلقی درست این گروه از قرآن توجه می‌دهد.

اما منکران مسیر دیگری داشتند. موافق سیر نزول روشن می‌شود آنها استقبال بدی از قرآن کردند. در این جریان قرآن ابتدا به قول و سپس نو بودن این گفتار و در نهایت به قرآن، به‌عنوان نامی علم‌شده برای این مجموعه توجه می‌دهد و از صفاتی مثل آیات، بینات، عربی، مبین، حق و ... برای نمایان ساختن تفاوت فاحش برداشت‌های کافران با واقعیت قرآن، سخن به میان آورده است.

در مرحله اول دعوت دینی، خدای متعال تا زمانی که کلامش هویت جمعی قابل توجهی به خود نگرفته، از واژه حدیث و قول استفاده کرده است؛ تا اینکه از سوره



بروج که بیست و هفتمین سوره نازل شده است، با واژه قرآن به این کتاب توجه داده است. از سوره صاد (۳۸ مکی) از نام کتاب برای اشاره به کلام الله بهره گرفته شده است؛ شاید به این دلیل که هویت خواندنی قرآن در میان مؤمنان شکل مکتوب به خود گرفته، و یا از این سوره به بعد به فرمان‌ها و اراده‌های ابراز شده قطعی خدا توجه داده باشد. همچنین بیشترین تأکید بر ویژگی ذکر به عنوان وصفی که اشاره به هدف قرآن دارد، صورت گرفته است و پند گرفتن از این ذکر و زبان هشدار قرآن به منظور تذکر انسان‌ها مورد توجه جدی در سوره‌های اول است. از سوره اعراف اوصافی دیگر مثل هدایت و رحمت، موعظه و شفاء، فرقان، عربی مبین، و هدایت و بشارت و رحمت مطرح می‌شود. این استعمال‌ها دارای نظم منطقی متناسب با تحولات مرحله اول می‌باشد. ذکر در پرتو هشدارها موجب می‌شود انسان از وضع نامطلوب خود آگاه شده، در نتیجه از موضع طغیان دست بردارد که با موعظه تناسبی تام دارد. موعظه پس از پندپذیری موجب فاصله گرفتن از سرکشی‌ها شده و دل‌ها را برای پذیرش حقیقت آماده می‌کند و در نهایت به پذیرش هدایت‌های الهی رهنمون می‌سازد، از این رو هدایت به دنبال آنها آمده است. هدایت برای مؤمنان به این کتاب، بشارت و رحمت را به ارمغان خواهد آورد.

رویکرد کلی یادکرد از قرآن با اسامی و اوصاف آن به این صورت است که خداوند متعال در ابتدای نزول این کتاب با تعبیری مانند آیات الهی، قول، حدیث و نذیر به قرآن اشاره کرده است. این تعبیر برای عموم انسان‌ها، چه مشرک و چه مؤمن، به طور تقریبی یکسان استفاده شده‌اند. واژه‌های «ذکر»، «تذکره» و «ذکر رسا» هرچند که در تمام این مقطع کاربرد داشته‌اند، اما به وضوح در ابتدای نزول قرآن بسامد بیشتری دارند. حکمت این موضوع شاید جلب توجه مخاطبان به هدف این متن الهی است که قرآن به دنبال بازگرداندن انسان‌ها به فطرت الهی‌شان و بیدارسازی و غبارزدایی از وجدانیات‌شان است. می‌توان با نگاهی تحلیلی به آیات مشتمل بر اسماء و صفات قرآن چنین گفت که خداوند متعال با به‌کارگیری عناوین قرآنی در دو بعد عقلانی و عاطفی، به‌طور هم‌زمان انسان‌ها را برای هدایت به سوی رجوع به وجدانشان راهبری می‌کند. از صفات تأثیرگذار بر بعد بینشی می‌توان از

فرقان، تبیان، حقیقت، تصدیق‌کننده کتب پیشین، حکمت و حق نام برد. تأثیرگذاری بر بعد معنوی و عاطفی مخاطبان نیز با به‌کارگیری تعبیری مانند موعظه، شفای دردهای قلوب، عظمت قرآن، رحمت و هدایت برای مؤمنان، نور، بصائر الهی و فرستاده شده از سوی پروردگار جهانیان صورت گرفته است.

نام قرآن غالباً برای اشاره به مجموع کلام الهی و کتاب برای نشان دادن این مطلب به‌کار رفته که نشان دهد قرآن اراده‌ها و دستورات ابرازشده پروردگار است که به سطر درآمده است.

بخش عمده خطاب‌های آیاتی که مشتمل بر عناوین قرآنی هستند، در سوره‌های مکی خطاب به پیامبر ﷺ و در رتبه بعد درباره مشرکان هستند؛ زیرا چالش بزرگ دین در دوره مکه با مشرکان بوده است. خطابات قرآنی در این موضوع درباره مؤمنان کمترین مقدار را دارد. از این نوع پراکندگی می‌توان گفت که در دوره مکه بیشترین تلاش دین معطوف به دو جهت بوده است: نخست تقویت پیامبر ﷺ به‌عنوان رهبر، دوم پاسخ به شبهاتی که دشمن در برابر این دعوتی که بر اساس قرآن است، به وجود می‌آورد.

نامی که در خطاب به منکران بیشترین استعمال را داشته، ذکر و اوصاف هم‌خانواده آن و همچنین نذیر بودن قرآن است. استفاده از این دو تعبیر برای از بین بردن لجاجت و مقاومت در برابر اصلاح بوده است؛ زیرا ذکر بودن قرآن به‌معنای آن است که این کتاب انسان‌ها را به ظرفیت‌های وجودی خود و نهاده‌های فطری‌شان توجه می‌دهد. انذار قرآن نیز برای گام بعدی است که بدانند این کتاب راهی دوسویه است؛ انسان در صورت پذیرش آن به طریق هدایت وارد می‌شود و در صورت نپذیرفتن، انذاری است که حجت را بر آنان تمام کرده، عواقب انتخابشان را بر عهده خودشان می‌گذارد.

خداوند متعال برای راهبری جریان تحول، سه گروه را با توجه دادن به اسماء و صفات قرآن هدایت می‌نماید. در ضلع نخست با خطاب به رسولش به‌عنوان رهبر جریان تحول، به او آرامش خاطر داده و وی را با پشتیبانی، در پیشبرد مسیر و گذر از چالش‌ها حمایت می‌نماید. بزرگ‌ترین عامل ظهور و بروز دین، پیامبر ﷺ



به‌عنوان رهبر جریان دینی است، بنابراین خداوند در مرحله اول بیشترین دفاع را از او کرده و بیشترین خطابات درباره عناوین قرآن به اوست. چنان‌که خواهد آمد، از سوره حجر به بعد، خطابات آیات مشتمل بر اسماء و صفات به مؤمنان نسبت به قبل قدری بیشتر می‌شود.

در ضلع دیگر منکران هستند که با معرفی قرآن به آنان به‌عنوان متنی که با وجدان و دریافته‌های درونی‌شان هماهنگ است، و همچنین پاسخ به افتراهای آنان درباره کلام‌الله با توصیفات متناسب با دعاوی آنان، ضمن دعوت ایشان به ایمان، تهمت‌های آنان را نیز بی‌اثر می‌سازد. همچنین با بیان صفاتی مانند نذیر بودن و حسرت بودن قرآن برای کافران، به آنان نسبت به عاقبت کارشان هشدار می‌دهد. گروه سوم افراد همراه‌شده با جریان ایمان هستند که خداوند با ارائه قرآن به‌عنوان هدایتی برای آنان، موعظه و شفاء و رحمتی از سوی خود، آنان را به ادامه حرکت در خط ایمان ترغیب می‌نماید.

نکته قابل توجه دیگر آنکه خداوند متعال در معرفی کلام‌الله، از همان ابتدا از نام قرآن استفاده نمی‌کند؛ زیرا ذهن مخاطبان هنوز با این متن به‌عنوان یک مجموعه آشنا نیست، بلکه آن را با توصیفاتمانند گفتار، سخن جدید و ... به مردم معرفی می‌کند. خداوند به تدریج از حقیقت قرآن به‌عنوان یک جریان و کلام جامع یاد کرده است. نام قرآن بیشتر در خطاب به مشرکان و یا درباره آنان به‌کار رفته است. پیام این نوع عملکرد در توصیف قرآن آن است که از ابتدا قرآن به‌عنوان یک کتاب و مجموعه مدون، مسأله درگیری با غیر مسلمانان قرار نگیرد، بلکه با اشاره به ویژگی‌های آن، آشنایی مردم با قرآن آغاز شود و نهادینه کردن کلام‌الله به‌عنوان یک مجموعه پس از تثبیت باور مردم درباره ربوبیت الهی، رسالت پیامبر ﷺ و معاد و رستاخیز صورت پذیرد. پس از آن هویت جمعی قرآن با عنوان قرآن و یا کتاب تثبیت گردد.

در سیر نزول سوره‌ها در مکه دو مرحله از دعوت مشاهده می‌شود: مرحله اول دعوت علنی پیامبر ﷺ و ایمان مخفی مؤمنان، و مرحله دوم حضور علنی مؤمنان در فضای مکه و تهاجم صریح پیامبر ﷺ به ارکان شرک و دعوت عموم مردم

پس از تضعیف باورهای مشرکانه. با آغاز مرحله اول و دعوت علنی حضرت رسول ﷺ به توحید و عرضه اسلام به مردم غافل در مکه که از سوره علق شروع شد، دو جریان شکل گرفت: برخی در موضع مقاومت و مخالفت قرار گرفتند؛ آنان الهی بودن کلام خدا را انکار و از راه‌های مختلف در تضعیف دعوت دینی پیامبر ﷺ کوشیدند. برخی نیز به شکل پنهان دعوت اسلام را پذیرفته، رو به تقوا و تسلیم آوردند.

در این فرآیند ابتدا از تناسب قرآن با درونمایه‌های افراد سخن به میان آمد و بر صفاتی چون انذار، تذکر و پندپذیری تأکید شد. سپس به‌طور مکرر مخالفان و منکران قرآن با عناوینی چون حدیث، آیه، قرآن، حکمت بالغه، حق، قول، تصدیق کتاب‌های الهی گذشته و بینه مورد خطاب قرار گرفتند. این اوصاف اشاره به جنبه‌های تلقی منکران از قرآن داشت و به‌طور عمده توصیفاتی بود که باور نادرست آنها در غیرالهی بودن کلام خدا را پاسخ می‌داد. از جمله این صفات، گفتار نو (حدیث) است که با کهنه‌پرستی این گروه تناسب داشت، یا وصف «آیه» که قرآن را همچون نشانه و آینه‌ای نمایانگر خدای متعال معرفی می‌نمود، و یا قرآن که اشاره به هویت جمعی آیات و تلقی آنها از کلام خدا به‌مثابه مجموعه گفتار بود، و یا حکمت بالغه که به رسایی مطالب اثبات‌کننده حقیقت اشاره داشت، و بینه که بر برهانی بودن این کلام اشاره می‌کرد. اما عناوینی نیز در گفتار با پیامبر ﷺ و یا درباره مؤمنان بود: قول ثقیل، قول رسول کریم، وحی، قرآن مجید، مبارک، هدایت و رحمت، هدی، آیات رحمان، کتاب، فرقان، بشارت و موعظه از آن جمله‌اند. این مجموعه عناوین در تناسب کامل با وضعیت اقبال یا ادبار هر گروه مخاطبان است.

۲. بررسی سوره‌های انعام تا مطففین (تقویت اقلیت مؤمن در برابر اکثریت مشرک تا هجرت به مدینه)

آیات مربوط به این مرحله از سیر تنزیلی اسماء و صفات قرآن، ۱۱۲ آیه است. در مرحله دوم به ۳۸ عنوان قرآنی در ضمن ۲۲ سوره اشاره شده که اولین آنها سوره انعام و آخرینشان سوره عنکبوت است.



۵۶	صافات: ۳	حق
۵۷	لقمان: ۲	کتاب حکیم
۵۷	لقمان: ۳	هدایت و رحمت برای نیکوکاران
۵۸	سبأ: ۶	حق
۵۸	سبأ: ۳۱	قرآن
۵۸	سبأ: ۳۸	آیات الهی
۵۸	سبأ: ۴۳	آیات الهی
۵۸	سبأ: ۴۹	حق
۵۹	زمر: ۱	کتاب
۵۹	زمر: ۲	کتاب
۵۹	زمر: ۱۸	قول
۵۹	زمر: ۲۳	احسن الحدیث، متشابه، مثنایی، هدایت الهی
۵۹	زمر: ۲۷	قرآن
۵۹	زمر: ۲۸	قرآن عربی غیر ذی عوج
۵۹	زمر: ۳۲	صدق
۵۹	زمر: ۳۳	صدق
۵۹	زمر: ۴۱	کتاب
۶۰	غافر: ۲	کتاب
۶۰	غافر: ۱۵	روح
۶۰	غافر: ۵۶	آیات الهی
۶۰	غافر: ۷۰	کتاب

ترتیب نزول	نام سوره	عنوان قرآنی
۵۵	انعام: ۷	کتاب نوشته شده در کاغذ
۵۵	انعام: ۱۹	قرآن
۵۵	انعام: ۳۸	کتاب
۵۵	انعام: ۳۹	آیات الهی
۵۵	انعام: ۴۶	آیات الهی
۵۵	انعام: ۴۹	آیات الهی
۵۵	انعام: ۵۴	آیات الهی
۵۵	انعام: ۵۵	آیات
۵۵	انعام: ۵۷	بینه، حق
۵۵	انعام: ۶۵	آیات
۵۵	انعام: ۶۶	حق
۵۵	انعام: ۶۸	آیات الهی
۵۵	انعام: ۹۲	کتاب، مبارک، مصدق
۵۵	انعام: ۱۰۴	بصائر از جانب پروردگار
۵۵	انعام: ۱۰۵	آیات
۵۵	انعام: ۱۱۴	کتاب تفصیل یافته
۵۵	انعام: ۱۲۲	نور
۵۵	انعام: ۱۲۴	آیه
۵۵	انعام: ۱۵۵	کتاب، مبارک،
۵۵	انعام: ۱۵۷	بینه، هدایت، رحمت
۵۶	صافات: ۳	ذکر

رحمت مؤمنان		
کتاب، تیان، هدایت و رحمت و بشارت مسلمانان	نحل: ۸۹	۷۰
قرآن	نحل: ۹۸	۷۰
هدایت و بشارت مسلمانان	نحل: ۱۰۲	۷۰
زبان عربی مبین	نحل: ۱۰۳	۷۰
کتاب	ابراهیم: ۱	۷۲
بلاغ	ابراهیم: ۵۲	۷۲
کتاب، ذکر	انبیاء: ۱۰	۷۳
ذکر	انبیاء: ۴۲	۷۳
وحی	انبیاء: ۴۵	۷۳
ذکر مبارک	انبیاء: ۵۰	۷۳
قول	مؤمنون: ۶۸	۷۴
ذکر، حق	مؤمنون: ۷۱	۷۴
حق	مؤمنون: ۹۰	۷۴
کتاب	سجده: ۲	۷۵
حق	سجده: ۳	۷۵
آیات پروردگار	سجده: ۲۲	۷۵
کتاب مسطور	طور: ۲	۷۶
حدیث	طور: ۳۴	۷۶
قول رسول کریم	حاقه: ۴۰	۷۸
تزیل	حاقه: ۴۳	۷۸
تذکره برای متقیان	حاقه: ۴۸	۷۸

تزیل	فصلت: ۲	۶۱
کتاب، عربی، قرآن	فصلت: ۳	۶۱
بشیر، نذیر	فصلت: ۴	۶۱
قرآن	فصلت: ۲۶	۶۱
ذکر، کتاب عزیز	فصلت: ۴۱	۶۱
تزیل	فصلت: ۴۲	۶۱
قرآن، هدایت و شفای مؤمنان	فصلت: ۴۴	۶۱
حق	فصلت: ۵۳	۶۱
قرآن عربی	شوری: ۷	۶۲
کتاب	شوری: ۱۷	۶۲
روح، کتاب، نور، مصدق، زبان عربی، بشری برای محسنان	شوری: ۵۲	۶۲
قرآن	احقاف: ۲۹	۶۶
کتاب، مصدق	احقاف: ۳۰	۶۶
کتاب	کهف: ۱	۶۹
قیم	کهف: ۲	۶۹
حدیث	کهف: ۶	۶۹
کتاب ربک	کهف: ۲۷	۶۹
قرآن	کهف: ۵۴	۶۹
ذکر	کهف: ۸۳	۶۹
خیر	نحل: ۳۰	۷۰
ذکر	نحل: ۴۴	۷۰
کتاب، هدایت و	نحل: ۶۴	۷۰



	۴۵		حسرت کافران	حاقه: ۵۰	۷۸
کتاب، رحمت و	عنکبوت:	۸۵	حق یقین	حاقه: ۵۱	۷۸
ذکری برای مؤمنان	۵۱		قرآن	انشقاق: ۲۱	۸۳
	عنکبوت:	۸۵	قرآن	روم: ۵۸	۸۴
حق	۶۸		کتاب	عنکبوت:	۸۵

تحلیل مهندسی عناوین در مرحله دوم

خدای متعال در سوره‌های مرحله دوم به هشت ویژگی قرآن اشاره کرده است. اسامی و اوصافی از قرآن بیان شده که برخی مثل قرآن و کتاب، به نام قرآن اشاره دارند و برخی چون ذکر، هشدار، بصائر و بینه، به کارآمدی‌های این کلام، و گروهی نیز به انتساب آن به خدا اشاره کرده‌اند. جلب توجه به تعدادی از صفات یادشده در مرحله قبل، در اینجا نیز ادامه می‌یابد، اما تأکید بر برخی از آنها مانند کتاب و قرآن بیشتر شده و برخی دیگر مانند ذکر با تأکید کمتری نسبت به مرحله پیش دنبال می‌شوند.

هویت جمعی قرآن مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. در خطاب به مؤمنان غالباً از صفاتی مانند هدایت و بشارت و رحمت استفاده شده، اما در خطاب به مشرکان یا اهل کتاب، صفاتی همچون تصدیق کتب گذشته، خالی از اعوجاج بودن، حق‌بودن و ... به‌کار رفته‌اند. صفات قرآن در خطاب به هر گروه از مخاطبان، متناسب با آنان و کاملاً معنادار بیان شده است.

در مرحله دوم گروه مؤمنان رفتار علنی دارند، کافران تلاش زیادی برای غلبه بر مؤمنان به‌کار می‌بندند، اما از سوی قرآن، باورها و رفتار مشرکان تخریب می‌شود و با تخریب مواضع شرک، زمینه برای دعوت عموم مردم مکه فراهم می‌شود. در این مرحله که پس از آیه ۹۴ سوره حجر آغاز می‌شود، عناوینی از قرآن به‌کار رفته که مخالفان و موافقان را مورد خطاب قرار داده است. عناوین ذکر، قرآن، آیات، بینه، حق، بصائر، غیر ذی‌عوج، عربی، صدق، عزیز، قول، حسرت و امثال آن در خطاب به مخالفان نشان از آن دارد که قرآن به‌طور عمده در گفتار با منکران یا درباره آنها،

همان رویه گذشته در مرحله اول مبنی بر حق بودن قرآن را مورد تأکید قرار داده و افزون بر آن، برای تخریب پایه‌های شرک، به رسایی این کلام، دوری از هر گونه اعوجاج و کژی در انتقال پیام‌های مخالف با اعتقاد مشرکانه تأکید کرده و ترک پیام‌های قرآن را چیزی جز حسرت کافران نمی‌شمرد و با توجه به ضدیت مشرکان با مؤمنان که در اقلیت به‌سر می‌بردند و حال آشکارا در مکه ابراز ایمان می‌کردند، افزون بر توصیه مؤمنان به استقامت و ثبات قدم در برابر خواست مشرکان ستمگر، از موضع قدرت وارد شده و از نفوذناپذیری قرآن و هماهنگی محتوای آن با دیگر کتب آسمانی و تصدیق آنها سخن گفته تا بر شکست‌ناپذیری جریان دعوت ایمانی و پیام قرآن باوجود همه مخالفت‌ها تصریح کرده باشد.

خداوند متعال در این موضوع رفتاری دو سویه دارد: از یک طرف کافران و مشرکان را به حقیقت قرآن دعوت کرده و بر مضامین موافق با بصیرت‌افزایی و حقانیت آن تصریح می‌نماید و اعلام می‌دارد که بی‌توجهی به این متن چه خسارت‌های سنگینی را به دنبال دارد. از سوی دیگر آنها را از نفوذ بر مؤمنان و تلاش ایشان از راه تخریب مطالب قرآن و ابطال حقیقت آن مأیوس می‌کند.

اما در خطاب به پیامبر ﷺ و مؤمنان از عناوین قرآن عظیم، مبین، کتاب، مبارک، مصدق، نور، هدایت، احسن الحدیث، بشیر، شفاء، علی، حکیم، قیّم، رحمت، تیان و خیر برای اشاره به قرآن استفاده شده است. این دسته صفات دقیقاً با شرایطی که پیامبر ﷺ و مؤمنان در آن به‌سر می‌بردند، تطابق دارد. عناوینی مانند علی، عظیم، مبین، قیّم و حکیم نشانگر جنبه‌های برتری، صولت و پیروزی جریان حق در برابر جریان باطل، و عناوینی مانند مبارک، احسن الحدیث در راستای رشد بیش از پیش مؤمنان و جریان ایمانی و بیان هدایت و توفیقات و تأثیرگذاری بیشتر این کتاب در رشد و تعالی گروه مؤمنان می‌باشد. بنابراین تناسب میان عناوین قرآنی از سویی بر غلبه قرآن در مواجهه با کافران ستمگر در مرحله تهاجم بر پایه‌های شرک تناسب دارد، و از دیگر سو صفات به‌کار رفته با هدایت مؤمنان و آثار آن در فضای اجتماعی جدید کاملاً هماهنگ است.



در این دو مرحله قرآن دو خط سیر داشته است: یکی برای مشرکانی که به دلیل مقاومت در برابر حق، کارشان به اتمام حجت و تهدید قطعی رسیده است، و دیگری جریان ایمانی که از تذکرپذیری آغاز شد و به هدایت و رحمت، بشارت، شفای دردهای معنوی، مبارک و ... ارتقا پیدا کرد.

۳. بررسی سوره‌های بقره تا فتح (تشکیل جامعه ایمانی)

آیات مربوط به این مرحله از سیر تنزیلی اسماء و صفات قرآن، ۶۱ آیه است. در این مرحله به ۲۱ عنوان قرآنی در ضمن ۱۸ سوره اشاره شده است، که اولین آنها سوره بقره و آخرینشان سوره تغابن است:

کتاب	بقره: ۱۷۷	۸۷	عنوان قرآنی	نام سوره	ترتیب نزول
قرآن، هدایت			کتاب	بقره: ۲	۸۷
انسان‌ها، دلایل روشن هدایت، فرقان	بقره: ۱۸۵	۸۷	مصدق	بقره: ۴۱	۸۷
آیات الله، کتاب	بقره: ۲۳۱	۸۷	کلام الله	بقره: ۷۵	۸۷
آیات الهی	انفال: ۲	۸۸	مصدق	بقره: ۸۹	۸۷
فرقان	آل عمران: ۴	۸۹	حق مصدق	بقره: ۹۱	۸۷
کتاب، کتاب	آل عمران: ۷	۸۹	مصدق، هدایت و بشارت مؤمنان	بقره: ۹۷	۸۷
آیات، ذکر حکیم	آل عمران: ۵۸	۸۹	کتاب	بقره: ۱۰۱	۸۷
بینات	آل عمران: ۸۶	۸۹	علم	بقره: ۱۲۰	۸۷
حبل الهی	آل عمران: ۱۰۳	۸۹	کتاب	بقره: ۱۲۱	۸۷
کتاب	آل عمران: ۱۱۹	۸۹	آیات الهی، کتاب، حکمت	بقره: ۱۲۹	۸۷
بیان برای انسان‌ها، هدایت و موعظه متقیان	آل عمران: ۱۳۸	۸۹	کتاب	بقره: ۱۵۱	۸۷
کتاب حکمت	آل عمران: ۱۶۴	۸۹	کتاب	بقره: ۱۷۶	۸۷
کتاب الله	احزاب: ۶	۹۰			

حکم عربی، علم	رعد: ۳۷	۹۶	آیات الهی، حکمت	احزاب: ۳۴	۹۰
کتاب	رعد: ۴۳	۹۶	حق	ممتحنه: ۱	۹۱
قرآن	الرحمان: ۲	۹۷	مصدق	نساء: ۴۷	۹۲
قرآن	دهر: ۲۳	۹۸	قرآن	نساء: ۸۲	۹۲
تذکره	دهر: ۲۹	۹۸	کتاب	نساء: ۱۰۵	۹۲
ذکر	طلاق: ۱۰	۹۹	کتاب، حکمت	نساء: ۱۱۳	۹۲
آیات الله مبین	طلاق: ۱۱	۹۹	کتاب	نساء: ۱۲۷	۹۲
صحف مطهره	بینه: ۲	۱۰۰	کتاب	نساء: ۱۳۶	۹۲
کتب قیم	بینه: ۳	۱۰۰	کتاب، آیات الهی	نساء: ۱۴۰	۹۲
قرآن	حشر: ۲۱	۱۰۱	نور مبین	نساء: ۱۷۴	۹۲
آیات مبین	نور: ۳۴	۱۰۳	آیات بین	حدید: ۹	۹۴
نور الهی	نور: ۳۵	۱۰۳	ذکر، حق	حدید: ۱۶	۹۴
آیات مبین	نور: ۴۶	۱۰۳	نور	حدید: ۲۸	۹۴
آیات بین	حج: ۱۶	۱۰۴	حق	محمد: ۲	۹۵
آیات بین، آیات الهی	حج: ۷۲	۱۰۴	قرآن	محمد: ۲۴	۹۵
آیات الهی، کتاب، حکمت	جمعه: ۲	۱۰۹	آیات کتاب حق	رعد: ۲	۹۶
			حق	رعد: ۱۹	۹۶
آیات الهی	تغابن: ۱۰	۱۱۲	قرآن	رعد: ۳۱	۹۶

تحلیل مهندسی عناوین در مرحله سوم

در این مقطع اسامی و اوصافی از قرآن بیان شده که برخی مثل قرآن و کتاب، به نام کلام الهی اشاره دارند، و برخی چون حکمت، فرقان، علم و نور به کارآمدی‌های این کلام، و گروهی نیز به انتساب آن به خدا اشاره کرده‌اند. جلب توجه به تعدادی از صفات یادشده در مرحله قبل، در اینجا نیز ادامه می‌یابد، اما تأکید بر برخی از آنها مانند کتاب بیشتر شده است و برخی دیگر مانند



ذکر و قرآن با تأکید کمتری نسبت به مرحله پیش دنبال می‌شوند. صفات قرآن در خطاب به هر گروه از مخاطبان، متناسب با آنان و کاملاً معنادار بیان شده است. کاربرد برخی صفات مانند ذکر، حدیث و قول کاهش چشمگیری یافته و در برابر، تعدد استفاده از نام کتاب و آیات الهی در خطاب به مؤمنان مشاهده می‌شود. حکمت این گسترش را باید در جامعه‌سازی قرآن و نظام‌بخشی به هویت جمعی مؤمنان در مدینه جویا شد.

در این دوره نام کتاب که به احکام و قوانین الهی اشاره دارد و غالباً در خطاب به مؤمنان به‌کار گرفته می‌شود، با هدف سامان‌دهی جامعه ایمانی تناسب دارد. این فرامین در راستای هدایت و حمایت مسلمانان در برپایی جامعه بر مدار قوانین اسلام بود. به عبارتی خداوند با به‌کارگیری این نام، باورمندان به قرآن را به این معنا هدایت می‌کند که پیروی آنان از دستورات واردشده در قرآن، برای جامعه‌سازی بر پایه قوانین اسلام الزامی است. استفاده از توصیفاتمانند آیات رب و آیات الله نیز برای تأکید بر همین مطلب است که مطالب قرآن نمایاننده گفتار الهی است؛ زیرا گاه احتمال آن وجود دارد کسانی که آیات قرآن را به‌وفور بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شنوند، وهمی در قلبشان ایجاد شود که این سخنان گفته‌های شخصی اوست و هر از گاهی ابراز مخالفت با آن بی‌مانع است. در حقیقت با استفاده از تعبیر آیات الهی، آیات الله، آیات رب و ...، بر انتساب قرآن به خداوند تأکید می‌شود تا هیچ شائبه‌ای در این زمینه باقی نماند و قطعیت لزوم پیروی از قرآن بر همه افراد آشکار شود.

با توجه به ارتباط گسترده مسلمانان با اهل کتاب و گاه مشرکان در دوره مدینه، برخی از توصیفات قرآن در این راستا به‌کار گرفته شده‌اند؛ عناوینی مانند مصدق، یبینه و مهیمن از آن جمله‌اند. حکمت این کاربرد درباره تعامل با اهل کتاب می‌تواند به چند لحاظ باشد. اول آنکه مسلمانان درباره حقانیت کتاب خود تردیدی به دل راه نداده و اعتقاد خود را در برتری این کتاب بر دیگر کتب الهی گذشته حفظ نمایند. مطلب دیگر آنکه اهل کتاب به‌واسطه این توصیفات قرآنی، به اسلام تشویق شوند یا حداقل کنجکاو شوند که مطالب این کتاب چیست که مصدق و مهیمن بر

کتاب آنان است. همچنین با این توصیفات، به پایان دوره کتب گذشته و آغاز دوره قرآن اشاره‌ای می‌شود.

توصیف‌هایی مانند ذکر و موعظه که غالباً در خطاب به گروه مؤمنان و گاه در رأس آنان، پیامبر ﷺ استفاده شده، به دلیل آرام کردن قلب آنان و جلب توجه دوباره ایشان به الهی بودن مطالب قرآن است.

در این دوره استفاده از توصیف‌هایی که تأثیر قرآن را در گروه‌هایی مانند مؤمنان و متقیان شرح می‌دهد، مشاهده می‌شود که به‌منظور تبیین کارکرد پیام الهی در باورمندان به آن است.

کاربرد واژه قرآن در سوره‌های مدنی همچون موارد مشابه در مکه، نشان می‌دهد که هرگاه توجه به کلیت قرآن بوده، از این نام استفاده شده است؛ به‌خصوص هنگامی که از کلام الهی به‌عنوان پدیده‌ای مطرح میان مؤمنان و غیر مؤمنان یادشده و نامی برای اشاره به پدیده قابل شناخت برای غیر مؤمنان دانسته شده است.

استفاده از واژه نور گاه در خطاب به اهل کتاب و گاه در خطاب به مشرکان، به نقش مشابه این کلام در روشن نمودن جنبه‌های تاریک راه سعادت بازگشت دارد و کاربرد عنوان کلام‌الله نیز متناسب با اظهار نقش مستقیم خدا در جریانی مثل برائت از مشرکان است.

۴. بررسی سوره‌های مائده و توبه (پایش و مراقبت بر جامعه ایمانی)

ترتیب نزول	نام سوره	عنوان قرآنی
۱۱۳	مائده: ۱۰	آیات الهی
۱۱۳	مائده: ۱۵	نور، کتاب مبین
۱۱۳	مائده: ۴۸	کتاب، مصدق، مهیمن
۱۱۳	مائده: ۹۰	ذکری برای جهانیان
۱۱۴	توبه: ۶	کلام‌الله
۱۱۴	توبه: ۳۶	کتاب‌الله
۱۱۴	توبه: ۱۱۱	قرآن



تحلیل مهندسی عناوین در مرحله چهارم

در مرحله آخر که نوبت پایش و مراقبت می‌رسد و احتمال ارتداد تمام اهل ایمان و یا انحراف گروهی از آنها می‌رود، از اسماء و اوصاف مناسب این مرحله استفاده شده است. عناوین قرآنی به‌کارگرفته شده در مرحله پایش و مراقبت از جامعه اسلامی، کمال هماهنگی با مضامین و محتوای سوره‌های مانده و برائت را دارد. روشن شد که هنگام گفتار درباره قرآن و نسبت آن با دین و کتاب‌های اهل کتاب، استفاده از واژه‌های کتاب، آیات، مصدق و مهیمن تناسب کامل دارد. هنگامی که از کتب آسمانی با نام کتاب یاد می‌شود، از کلام نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله با نام کتاب مبین یاد می‌شود، و هنگامی که از کتب پیشین با عنوان تورات و انجیل یاد می‌شود، کلام الهی نازل شده را با نام قرآن نامبردار کرده است. نیز برای جلوگیری از سوء برداشت از منطقه نزول قرآن در میان مکیان و مدنی‌های عرب، از قرآن با عنوان ذکر برای جهانیان نام برده شده است. استفاده از واژه نور گاه در خطاب به اهل کتاب و گاه در خطاب به مشرکان، بازگشت به نقش مشابه این کلام در روشن نمودن جنبه‌های تاریک راه سعادت دارد. کاربرد کلام الله نیز متناسب با اظهار نقش مستقیم خدا در جریانی مثل برائت از مشرکان است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نزول تدریجی قرآن و اصراری که قرآن بر وجود حکمت‌های نهفته در نزول تدریجی دارد، دست‌یافته‌های علمی از کلام نورانی خدا در قرآن تنها محدود به مطالعه در محتوای آیات قرآن نمی‌شود، بلکه تحقیق در روش نزول آیات مربوط به محتوای مورد مطالعه را نیز شامل می‌شود. قرآن کریم برای تبیین حدود ۶۰ اسم و صفتی که برای کلام خود به‌کار برده، از روش خاصی بهره گرفته است. پنجره‌های آشنایی با قرآن، به فراخور حال و موقعیت تغییر و تحول هر یک از مخاطبان قرآن، به روی آنان گشوده می‌شود تا با ورود در این مسیر، دید آنان از کلام الله عمق بیشتری یافته و از کارکردهای آن بهره بیشتری ببرند. بین اسم و وصفی که در سیر نزول تدریجی سوره‌ها به‌کار رفته، با مجموعه مضامین و محتوای

آیات درونی سوره و هدفی که سوره برای تحقق آن نازل شده، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین در اسماء و صفات کار گرفته شده، به تناسب موضع مثبت یا منفی و درجه و میزان پذیرش هدایت یا سقوط در ورطه هلاکت، تناسب کاملی مشاهده می‌شود. همچنین سیر اسماء و صفات قرآن در دو زمان هجرت و پیش از آن تفاوت قابل توجهی دارد.

اولین گام از معرفی قرآن به جامعه مشرک مکی با حفظ دو جهت برداشته می‌شود: در ناحیه اول جایگاه آسمانی این متن و نزول آن به اراده خدا و به واسطه جبرئیل تبیین شده و به مراتب نزول کلام الله توجه داده می‌شود تا در همان ابتدای جریان دعوت دینی، نقش پیامبر ﷺ در تولید متن به حداقل رسیده و جایگاه الهی قرآن و انتسابش به خداوند تقویت شود. خدای متعال در ادامه به انواع شبهات و مخالفت‌های مخالفان با نزول پدیده وحی ارسالی بر پیامبر ﷺ توجه و برای زدودن آنها اقدام کرد. در این گام بیش از هر صفتی بر اوصافی که از تناسب و توافق این کلام با فطرت و دریافت‌های درونی افراد است، تأکید شد. انواع تأثیرات قرآن بر عواطف از جنبه هشدار که به‌طور طبیعی برای نمایان ساختن وضعیت نامطلوب شرایط فعلی بود که مخاطبان این دوره مکی در آن به سر می‌بردند، استفاده شد. سپس به جنبه‌های هدایت و رحمت برای گروهی که پیام این کلام را دریافت کرده و به آن ایمان آورده بودند، توجه داده شد و از تأثیرات علمی و آگاهی‌بخش آن در عباراتی مثل بصائر، نور، بینة و حکمت یاد می‌گردد. عناوینی مانند قول فصل، فرقان و کتاب بودن قرآن برای مؤمنان در این دوره، بر مراحل رشد آگاهی و تلقی درست این گروه از قرآن توجه می‌دهد.

در گام دوم خداوند عموم افراد را با نام‌های قرآن و کتاب آشنا می‌سازد؛ زیرا در این هنگام هویت خاص و ویژه این کلام در ذهن افراد شکل گرفته است. غالباً کارکرد نام قرآن در خطاب به افرادی است که الهی بودن متن را نپذیرفته‌اند و قرآن برای اشاره به یک مجموعه خواندنی برای آنان به کار گرفته شده است و نام کتاب نیز برای باورمندان قرآن استفاده می‌شود تا به آنان یادآوری شود این کلام، فرمان‌ها و اراده‌های قطعی الهی است که به‌سوی آنان آمده است.



در این سیر به افتراهایی که از سوی منکران متوجه قرآن توجه می‌شود و دفع آنان، با توصیفات دقیق و متناسب، و همچنین راهبری مناسب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان رهبر گروه، و همچنین هدایت مسلمانان با جلب توجه ایشان به ابعادی از کلام‌الله اشاره شده است.

نکته قابل توجه آنکه بخش بزرگی از توصیفات قرآنی در سوره‌های مکی که البته در سوره‌های مدنی نیز دیده می‌شود، به پاسخگویی منکران و مشرکان اختصاص دارد.

گام سوم با حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان مهاجر و انصار مدنی آغاز می‌شود و فرصت جامعه‌سازی ایمانی فراهم می‌شود. پس از آنکه گروه اشخاصی که نهال باور به قرآن در قلبشان نشسته است، به جمعیتی قابل توجه رسیدند، نیاز است با توجه دادن آنان به اوصاف متناسب با این مرحله و نیز الزامات زندگی جمعی، رابطه‌هایی بر مدار قرآن در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... با یکدیگر برقرار نمایند. کاربرد نام مؤکد عنوان کتاب که نشان از اراده‌های ابرازشده و مکتوب الهی دارد، این نوع رابطه‌ها را تبیین می‌کند. عناوین دیگری مانند مهیمن، مصدق و فرقان نیز در راستای ارتباط مسلمانان با اهل کتاب در دوران پس از هجرت، دارای هماهنگی کامل و واجد پیام‌هایی برای باورمندان به قرآن و اهل کتاب است.

آخرین گام در فرآیند نزول قرآن، تثبیت و پایش داشته‌هاست. در این گام جامعه دینی شکل گرفته و محتوای لازم در اختیار مردم مؤمن قرار گرفته است. در اینجا مؤمنان برای تثبیت، پایش، مراقبت و تداوم این مجموعه دستاوردها توجیه می‌شوند. کاربری عناوینی چون کتاب مبین، کلام‌الله، نور و قرآن، با این گام تناسب کامل دارد که نشان می‌دهد هر آن که به دنبال راه سعادت خویش است، باید آن را در پرتو نور قرآن و کاربری عناوینی که متناسب با تبری از مشرکان و ماندن در مسیر الهی به‌واسطه تمسک به کلام‌الله است، بیابد.

با توجه به آنکه هنوز ادبیات پایه‌ای در حوزه ترتیب نزول به‌قدر کافی تولید نشده است، پژوهش حاضر می‌تواند پایه‌ای برای این دست از پژوهش‌ها باشد. برای نمونه می‌توان با تطبیق شرایط فعلی هر گروه از مخاطبان در آشناسازی با

کلام الله، چه در ایران و یا سایر نقاط، چه مسلمان یا غیر مسلمان، بر روش قرآنی در برخورد و نوع معرفی که برای هر گروه در نظر گرفته شده است، دیدگاه قرآن را به دست آورد تا ملاک عمل قرار گیرد. به خصوص با توجه به تبلیغ آیین های دیگر از سوی پیروان آنان، این کار ضروری به نظر می رسد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
۴. بلخی (مولوی)، جلال الدین (۱۳۷۰)، دیوان شمس، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
۵. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۶)، سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی، قم: تمهید.
۶. _____ (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی مبانی اصول فواید و قواعد، چاپ اول، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. جزائری، سیدنورالدین (۱۴۱۵ق)، فروق اللغات، بی جا: مکتبه ثقافت اسلامیة.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، چاپ سوم، قم: نشر اسراء.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم: آل البیت علیهم السلام.
۱۰. حسینی همدانی، مصطفی (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی لطفی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۹ق)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم الشامیه.
۱۳. زبیدی حنفی، محب الدین (۱۹۹۴)، تاج العروس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۱۴. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، چاپ هفدهم، بیروت: دارالشروق.



۱۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹ق)، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چاپ اول، قم: نشر صادقی.
۱۶. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد*، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیةالله مرعشی.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، *جوامع الجامع*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی التفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. مراغی، حمدین مصطفی (بی تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مؤسسه نشر و ترجمه.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.